

تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی^۱

ابراهیم صحرانشین^۲

سیداحمد هاشمی^۳

عباس قلتاش^۴

مختار رنجبر^۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۶

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی است. روش مورد استفاده در این پژوهش استنتاجی و توصیفی - تحلیلی بوده است که در مرحله نخست مبانی اندیشه جان دیویی و مطهری توصیف شده و بعد دیدگاه آنان نسبت به تربیت شهروندی و مؤلفه های آن تحلیل و تبیین شده است. نتیجه به دست آمده حاکی از آن شد که تربیت شهروندی رکنی مهم در جامعه و در کلیه سطوح ملی و فراملی با توجه به توسعه تعاملات بشری خارج از مرزهای جغرافیایی است که این خود نیازمند پایبندی به حقوق شهروندی، قانون مداری و تعهد نسبت به دیگران می‌باشد. آنان تربیت سیاسی و اجتماعی افراد را فرصتی ممتاز در پیدایی و تقویت تربیت شهروندی و نمایان سازی هویت فردی در جامعه دانسته اند که می‌تواند در مسیر رشد و تعالی شهروندی قرار بگیرد. به همین منظور نظام آموزشی به عنوان محور یادگیری، با طراحی و برنامه ریزی‌های دقیق آموزشی می‌تواند فرصت رشد شهروندی دانش آموزان را و با عنایت به نظریات ارزنده اندیشمندانی چون دیویی و مطهری فراهم آورد.

کلید واژه‌ها: تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی، اندیشه‌های دیویی، اندیشه‌های مطهری، تربیت شهروندی

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت می‌باشد.

^۲ گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

^۳ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (نویسنده مسئول) s.hashemi4520@gmail.com

^۴ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

^۵ استادیار گروه مدیریت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

مقدمه

یکی از ساحت‌های مهم تربیتی سند تحول بنیادین، تربیت سیاسی و اجتماعی است و دانش‌آموزان باید بیاموزند چگونه در جامعه زندگی کنند و با یکدیگر تعامل داشته باشند، لذا مأموریت اصلی سازمان آموزشی، تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان است (فانی، ۱۳۹۵). ساحت سیاسی اجتماعی به عنوان یکی از ساحت‌های اساسی نظام آموزش و پرورش در پی ایجاد دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌هایی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند. تربیت مدنی یک مفهوم متکثر و چند چهره است که ابعاد مختلفی هم چون مسئولیت‌پذیری، وحدت و تفاهم ملی، بردباری، قانون‌گرایی، درک فهم اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح‌جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی، برابری و تنوع را شامل می‌شود (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۹)، و کلیه این ابعاد را می‌توان مسیری مطمئن برای تربیت شهروندی افراد قلمداد نمود. با شروع قرن جدید و پدیداری چالش‌ها و مسائل و مشکلات جدید، مفهوم شهروندی برای زندگی در جامعه جهانی دستخوش تغییراتی اساسی شده و برای آموزش و پرورش کشورها، این سؤال را پیش آورده است که در این تربیت، بر چه ابعادی از زندگی شاگردان باید توجه کرد (قائدی، ۱۳۸۵). با توجه به تأثیر اساسی آموزش و پرورش در جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان، آماده‌سازی نسل جدید برای ایفای نقش شهروندی در جامعه محلی، ملی و جهانی نیز امری است که از این نهاد آموزشی انتظار می‌رود زیرا ایفای نقش شهروندی مستلزم دانایی، آگاهی و کسب نگرش و مهارت‌های لازم برای حل مسأله‌های مختلف و چالش‌هایی است که فرد در زندگی اجتماعی خود با آن برخورد خواهد کرد و از مهم‌ترین بسترهای کسب چنین شایستگی‌هایی، نظام آموزش و پرورش هر جامعه است (فتحی و سعادت‌مند، ۱۳۹۴).

برخی از اندیشه‌های فلسفی بازگویی تربیت شهروندی به عنوان یکی از الزامات جامعه بشری افراد با تمرکز بر ابعاد سیاسی و اجتماعی جامعه می‌باشند که می‌توان این اندیشه‌ها را محور پرورش شهروندی افراد قرار داد. تعلیم و تربیت در نظر دیویی^۱ عبارت است از نیل به نوعی از رشد که از امکانات حاضر برمی‌آید. از آنجاکه رشد انسان توفیقی ندارد تعلیم و تربیت نیز نباید محدود به برهه خاصی از زندگی باشد بلکه باید روندی از زندگی تلقی شود. در همین راستا مدرسه تا آخرین حد

1. Dewey

ممکن باید همخوان و شبیه جامعه باشد. در واقع مدرسه باید شکل ساده‌ای از جامعه باشد و برای هم‌سرخ شدن آموزش با حقایق و واقعیات جامعه، باید امکان شرکت فعال دانش‌آموزان تا آخرین حد، در پژوهش‌های عینی و موقعیت‌های بغرنج جامعه فراهم شود (مشکی باف مقدم و تفتیان، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. از این رو آنچه که می‌تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل‌گیری و توسعه مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان مدرسه زندگی است. مدرسه باید مکانی برای تدارک فرصت‌های لازم و مناسب برای تجربه و تمرین در عرصه‌های مختلف زندگی باشد تا از این رهگذار، زمینه‌های لازم برای برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آید (گلیار، ۱۳۸۱). دیویی در ارتباط با دانش‌آموز و تربیت او بیان می‌دارد که باید بین دانش‌آموزان با یکدیگر و بین دانش‌آموزان و معلم، همکاری و ارتباط متقابل وجود داشته باشد. از طرفی دیویی اعتقاد دارد که پژوهش عقلی کودک نوعی ساختن اجتماعی است که علاوه بر همکاری میان کودکان، همکاری میان آنان و بزرگسالان را نیز شامل می‌شود (کار، ۲۰۰۳؛ دیویی، ۲۰۰۳؛ شاتو، ۱۳۸۰).

همچنین اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی شهید مطهری مباحثی را پی می‌گیرد که می‌توان آن را در حوزه تعلیم و تربیت قرار داد. محور تربیت به تعبیر شهید مطهری کرامت نفس است و می‌تواند استعداد‌های وجودی انسان را پرورش دهد و او را تقویت کند. وی تربیت را بر اساس چهار استعداد اصیل انسان شامل عقل، اخلاق، دین و زیبایی بررسی کرده (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۱)؛ و معتقد است که وظیفه آموزش و پرورش صرفاً "تربیت افراد برای حفظ متون و مطالب نمی‌باشد، بلکه باید به دانش‌آموزان قدرت تجزیه و تحلیل مطالب داده شود و آنها را در زمینه مهارت‌های اجتماعی و بینش سیاسی تقویت نمود که این امر اعتماد به نفس دانش‌آموزان را در جامعه افزایش می‌دهد. شهید مطهری سیاست را عزیزترین پیکر اسلام می‌داند، بنابر این لازم است تا مهارت‌های اجتماعی و سیاسی تقویت و سعی شود تعاملات اجتماعی و نوع دوستی در بین افراد افزایش داده شود که این موضوع باعث همبستگی انسانی می‌شود و انسان‌ها را نسبت به سرنوشت دیگر انسان‌ها حساس می‌نماید (مطهری، ۱۳۹۵).

بحث‌های تربیتی این اندیشمندان و انتقال آن به پژوهشگران و طراحان نظام آموزشی در عرصه تربیت و اخلاق ضروری به نظر می‌رسد. امروزه تربیت شهروندی مفهومی اساسی است (ویوگلرز^۱، ۲۰۱۱): که با ریشه یابی آن در اندیشه‌های فلسفی سیاسی و اجتماعی به عنوان سندی راهبردی، نیاز به گسترش و تعمیم در بین دانش آموزان به عنوان سرمایه‌های مهم جامعه می‌باشد. حال آن که اهمیت پژوهش حاضر در منابع اجتماعی و سیاسی تربیت این است که پایه‌های قدرتمند ساختار فرهنگی را در بین شهروندان تقویت می‌کند و تربیت شهروندی را با تمام ابعاد آن به عنوان یک واقعیت اجتناب ناپذیر از دوران کودکی تا بزرگسالی نهادینه می‌نماید. پس ضرورت دارد که آموزه‌های متنوع شهروندی را برای تمام سطوح شهروندی متناسب با نیازهای اجتماعی، روانی، اقتصادی، سیاسی، دینی، و غیره به صورت رویکردها، برنامه‌ریزی‌ها و تحقیقات با توجه به تعالیم موجود در حوزه سیاسی و اجتماعی مبتنی بر اندیشه‌های بزرگان تعلیم و تربیت پیاده گردد.

نتیجه به دست آمده از تحقیق لطف آبادی (۱۳۸۵) حاکی از آن بود که گروه‌های قابل توجهی از دانش آموزان ایرانی دچار ضعف‌های اساسی در هویت اجتماعی و مدنی، نگرش‌های ضد اجتماعی، خلافتکاری و روحیه سرکشی هستند و لذا آموزش حقوق و مسئولیت‌های محلی و ملی و جهانی در جوانب گوناگون شهروندی در برنامه درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه و آموزش رفتار مبتنی بر تفکر درست، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری اندیشمندانه ضرورت دارد. یافته‌های فتحی و اجارگاه و واحد چوکده (۱۳۸۵) مبنی بر آن بود که جو اجتماعی، ساختار سازمانی، تعامل میان معلم و دانش آموز از اساسی ترین آسیب‌های تربیت شهروندی می‌باشد. قلتاش و همکاران (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیدند که به مؤلفه‌های حقوق بشر که خود از مصادیق تربیت شهروندی هستند، در ایران توجه لازم صورت نگرفته است. یافته‌های جمالی تازه کند و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از آن بود که تنها ۳ درصد محتوای کتاب‌های درسی علوم اجتماعی مهارت‌های مورد نیاز شهروندی را مورد توجه قرار داده است و شاخص‌های مهارت شهروندی در محتوای کتاب‌های درسی از توزیع نرمالی برخوردار نیستند. بر این اساس، سؤال‌های این پژوهش حاکی از آن است که:

۱. ساخت تربیت سیاسی و اجتماعی با توجه به اندیشه‌های شهید مطهری چگونه است؟
۲. ساخت تربیت سیاسی و اجتماعی با توجه به اندیشه‌های دیویی چگونه است؟

۳. نقش ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی دیویی - مطهری بر تربیت شهروندی با تمرکز بر آموزش و پرورش چیست؟

یافته‌ها

۱. ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی با توجه به اندیشه‌های شهید مطهری

چگونه است؟

بر اساس سند تحول بنیادین (۱۳۹۰)، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریبان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو ساحت تربیت اجتماعی سیاسی شامل موارد زیر است:

- ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران و غیره)؛
 - تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسؤولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی)؛
 - کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم، توانایی‌های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی، انگلیسی و غیره) (شورای آموزش عالی^۱، ۲۰۱۱؛ محمدی پویا و همکاران، ۱۳۹۴).
- تربیت سیاسی - اجتماعی متریبان را قادر می‌سازد به عنوان شهروندی فعال و آگاه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند (فاتحی ابراهیم آبادی، ۱۳۹۴).
- وزارت آموزش و پرورش جهت عینیت بخشیدن به مفهوم تربیت سیاسی و اجتماعی سه رویکرد را پیش روی دارد:

۱. توسعه معرفت سیاسی و شناخت دانش آموزان از ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور
- این حوزه توسعه دانش متریبان در زمینه بنیان‌های نظری و تئوریک اندیشه‌های سیاسی، ساختار متفاوت حکومت‌ها و مقایسه آنها، حقوق اساسی شهروندان، ارتباط ساختاری قوا و غیره را دنبال می‌کند.

۲. نهادینه کردن احساس خوش بینی و نگرش مثبت نسبت به نظام سیاسی در این مبحث انتظار می‌رود روحیه تعلق به یک ملیت، یکپارچگی فرهنگی، هویت مشترک سیاسی اجتماعی در دانش آموزان ایجاد شده و زمینه تکوین و تقویت هویت ملی فراهم شود. شاخص‌هایی چون عشق به میهن، پرچم، رهبری، وفاداری به نظام، تعهدات شهروندی، تکالیف ملی با صداقت عاطفی نهادینه شود.

۳. زمینه سازی در جهت حس شایستگی سیاسی افراد در ساختار نظام سیاسی در این رویکرد انتظار می‌رود متریبان بتوانند در یک فرآیند روشن و تمرین شده نقش خود را در نظام سیاسی تعریف و جانمایی کنند و از تکالیف و نقش اجتماعی خود و دیگران و حاکمیت، تصویر روشنی داشته باشند. به عبارتی ضمن فهم روابط قدرت و پیچیدگی نظام سیاسی در درون شبکه قدرت ملی آگاهانه و قانونمند مهارتی کسب کنند و نقشی آگاهانه و فعال در جامعه ایفاء کنند (رفیعی، ۱۳۹۵).

ساحت سیاسی و اجتماعی هرگونه استبداد و دیکتاتوری را نفی می‌کند و درک و فهم را منحصر به خود نمی‌داند بلکه برای تمام انسان‌ها احترام قائل است و قلمرو حق و حقیقت را منحصر در فهم خود نمی‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷).

الف) ساحت تربیت سیاسی

از دیدگاه شهید مطهری تربیت سیاسی از شاخه‌های حکمت عملی در حوزه تدبیر مدن است. وی بیان داشته است، آنچه که حکمت عملی نامیده می‌شود، اندیشه‌هایی است که خود اجتماعی بشر برای وصول به کمالات و اهداف خود می‌آفریند (مطهری، ۱۳۷۹).

شهید مطهری فطرت محوری، درهم تنیدگی روح و بدن، عقلانی بودن انسان، اراده و اختیار داشتن، هویت جمعی و کرامت انسان را میانی اساسی تربیت سیاسی بر می‌شمارد:

۱. فطرت محوری

شهید مطهری فطرت را ام‌المعارف اسلامی یا اصل مادر در مباحث انسان‌شناسی تعبیر کرده است (مطهری، ۱۳۸۹). فطرت انسان مستقل از عوامل اجتماعی است و به عنوان راهنما و رهبر تعدیل‌کننده عوامل اجتماعی باعث ثبات اندیشه‌ها و گرایش‌های انسانی می‌شود. به واقع تربیت اسلامی اول بر اساس فطرت است، یعنی اصل و اساس تربیت سلسله‌ای از استعدادهایی است که باید پرورش یابند. بعضی از این استعدادها مشترک انسان و حیوان است و برخی دیگر مختص انسان‌ها هستند؛ و دوم اینکه استعدادها به صورت هماهنگ است؛ یعنی از نظر اسلام انسان طوری ساخته شده است که

بین استعداد‌های مختلف آن تضاد و تعارضی وجود ندارد. دو اصل مهم تربیت بر این اساس اصالت فطرت در تربیت و همچنین نظام هماهنگ استعدادها است (مطهری، ۱۳۸۷).

۲. در هم تنیدگی روح و جسم

همان طوری که ویژگی‌های خاص روحی باعث بروز و پیدایش اعمال بدنی خاصی در انسان می‌شود، اعمال خاص بدنی نیز اثراتی در روح انسان می‌گذارد و متناسب با نوع اعمال وی، ملکات خاصی در روح شکل می‌گیرد و در حقیقت روح بدن را به شکل خود و بدن روح را به شکل خود می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۹).

۳. اراده و اختیار

انسان فعل را با اراده خودش انتخاب می‌کند اما در اراده تحت تأثیر علتی از خارج خودش است. در حقیقت امری است بین امرین و در عین اینکه فعل مستند به خود انسان است مستند به اراده ذات باری نیز هست منتها در طول یکدیگر (نه در عرض و به طور شرکت) و هنگامی که از جنبه اخلاقی مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم نه این است که سرشت‌های موروثی، ثابت و غیرقابل تغییر باشد و نه این است که موضوع سرشت و طینت و اخلاق موروثی به کلی دروغ باشد، بلکه امری است بین امرین یعنی در عین اینکه پاره‌های از اخلاق با عوامل وراثت از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود با عوامل تربیتی قابل تغییر و تبدیل و کاهش و افزایش است (مطهری، ۱۳۸۷).

۴. هویت جمعی

اجتماعی بودن در نظریه اول طبیعت انسان، در نظریه دوم امری بیرونی و خارج از وجود انسان و در نظریه سوم نیروی عقلانی و فکری است (مطهری، ۱۳۸۷). شهید مطهری با استناد به آیات قرآن رویکرد سوم را می‌پذیرد و بیان می‌کند: "قرآن برای امتها و جوامع سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است که در صورت ندا شتن وجود عینی امت این مفاهیم بیمعنی خواهد بود. در عین حال با صراحت فرد را از نظر امکان سرپیچی از فرمان جامعه توانا می‌داند، یعنی روح فردی در مقابل روح جامعه مجبور و بدون اختیار نیست (مطهری، ۱۳۸۸).

۵. کرامت انسانی

خداوند انسان را در پایگاه و منزلتی بلند و دارای کرامت آفریده است که شهید مطهری آن را محور اخلاق اسلامی می‌داند. این به سبب برخوردار کردن آدمی از سرمایه‌های عظیم وجودی، چون عقل و فطرت است. قرآن کریم انسان را دارای روحی الهی می‌داند (سوره اسراء، آیه ۷۰). و بیان می‌کند: "ما در خلقت و آفرینش، انسان را مکرم قراردادیم". یعنی کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش

او قراردادیم. کرامت و عزت و بزرگواری جزئی از سرشت انسان و در سرشت انسان است. این است که انسان اگر خود را آن چنان که هست بیابد، کرامت و عزت را می‌یابد (مطهری، ۱۳۸۹).

تربیت سیاسی از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد. به عبارتی دیگر، عوامل متعددی وجود دارد که می‌تواند تربیت سیاسی افراد را تحت تأثیر مستقیم قرار دهد. از این رو شهید مطهری عوامل تربیت سیاسی را در سه چیز می‌داند (جدول ۱)

جدول ۱. عناصر تربیت سیاسی شهید مطهری

ردیف	عناصر	مفاهیم
۱	خانواده	از نظر فلسفه اجتماعی اسلام، تشکیل خانواده جنبه اجتماعی دارد و کانونی است تربیتی. کانونی است که طبیعت و فطرت برای پرورش تن و روح فرزند آدم آفریده است و هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد. از نظر وی، خانواده از حیات است و احتمالا می‌تواند مقدمه حیات سیاسی هم باشد. در مسئله اهمیت خانواده استاد دو علاقه برای آن ذکر می‌کند: مسئله اول اهمیت علاقه و اصلاح نسل و مسئله دوم از لحاظ تربیت نسل است. از نظر ایشان خانواده یک واحد اجتماعی است که بر اساس وحدت و محبت بنا شده نه اینکه براساس قرارداد باشد. به طور کلی در شرایط تربیت اظهار می‌دارد که دو شرط دارد یکی علم و اطلاع از رموز تربیت و دوم علاقه به سرنوشت، و این شرایط را در خانواده تسری می‌دهد.
۲	جامعه و احزاب سیاسی	در بازسازی اندیشه شهید مطهری نقش احزاب سیاسی، بسیار محدود و کم‌رنگ است زیرا نگاهی تجویزی به تربیت یا تربیت سیاسی دارد. ایشان از منظر خیر و شر و تأمین سعادت انسانی به سیاسی و تربیت نگاه می‌کند. از این رو در جایی که خیر، عدالت، آزادی و سعادت تأمین شود به تربیت سیاسی نزدیک شده‌اید. در واقع شاید بتوان اندیشه وی در مورد احزاب را اینگونه بازسازی کرد که احزاب سیاسی در صورتی که به تعاون اجتماعی و سیاسی جامعه کمک کنند، مورد تأیید او می‌باشند و عامل و عنصری از تربیت و تربیت سیاسی تلقی می‌شود.
۳	دولت و حکومت	ایشان برای حکومت و دولت اسلامی شان نظارت و اشراف قائل است و به این مطلب اشاره می‌کند که «اختیاراتی که اسلام به حکومت اسلامی و به عبارت دیگر به اجتماع اسلامی داده است، این اختیارات در درجه اول مربوط به حکومت شخص پیغمبر است و از او به حکومت امام و از او به هر حکومت شرعی دیگر منتقل می‌شود». البته ایشان حق نظارت و اشراف را از باب امر به معروف و نهی از منکر برای حکومت اسلامی نیز ثابت کرده است. ایشان در یادداشت‌های خود از وظایف حکومت نام می‌برد که به ترتیب ویژگی‌های آن را نام می‌برد تا می‌رسد به تعلیم و تربیت و سرانجام از خطبه ۲۳۶ نهج البلاغه نتیجه می‌گیرد که اسلام حق دخالت را فقط برای افراد تربیت یافته قائل است زیرا «حضرت در مورد خوارچ انتقاد می‌کند که آنان تعلیم و تربیت (سیاسی) اسلامی نیافته‌اند، پس حق مداخله در مسائل مهم را ندارند».

شهید مطهری مهمترین عناصر تربیت سیاسی در اندیشه سیاسی را به شرح زیر بر می‌شمارد:

۱. سیاست شریعتمدار

دین اسلام در اندیشه سیاسی شهید مطهری یک کل تجزیه ناپذیر است. مدل حکومتی که شهید مطهری معرفی می‌کند، جمهوری اسلامی است. حاکم این نوع حکومت، رهبر است.

۲. استقلال

استقلال سیاسی یعنی کشوری از نظر سیاسی خودش برای خودش تصمیم بگیرد. هدف استعمار سیاسی از دیدگاه شهید مطهری عبارت است از: «استعمار سیاسی تلاش دارد حکومت را به دست افرادی بدهد که عامل او و مجری منویات او باشند. به ظاهر مستقل باشند و حتی در مقابل آنها غرّش هم بکند، غرّه هم بکشند اما در باطن، همه دستورها را از آنجا بگیرند».

۳. عدالت

شهید مطهری عدالت را دارای تأثیر مستقیمی بر اخلاق مردم می‌داند و لذا وجود آن را در مرحله فکر و عقیده، اخلاق فردی و رفتار عمومی ضروری دانسته و در واقع وجود عدالت یا عدم آن در جامعه در ابعاد مختلفی تأثیرگذار است. یکی از این تأثیرات این است که در صورت عدم وجود عدالت در جامعه، مردم به بخت و شانس روی آورده و در واقع اعتقاد به آن ریشه در مظالم و بی عدالتی‌های جامعه دارد. هر موقع عدالت اجتماعی متزلزل شده و استحقاق‌ها رعایت نشده، حقوق افراد مراعات نگردد، در تعویض مشاغل، حساب‌های شخصی و پارتی مؤثر باشد، در نتیجه فکر بخت و شانس در جامعه قوت می‌گیرد.

۴. وحدت

چون اجتماع و اتحاد مربوط است به جامعه انسانی و جامعه انسانی بالاخره یک جامعه فکری و جامعه ای است که ایده و ایدئولوژی و فکر می‌خواهد، مردم باید از نظر ایمان هم وحدت داشته باشند. تنها اینکه مردم از نظر حقوق و از نظر وظایف و تکالیف وحدتی داشته باشند کافی نیست، یک فکر و یک ایمان هم لازم است که مردم را گرد خود جمع کند، ایمان اسلامی احتیاج است که مردم در حدود ایمان خودشان با یکدیگر اتفاق داشته باشند و مسائلی که میان آنها شکاف می‌اندازد و اختلاف ایجاد می‌کند به وجود نیاید. ایمان ملاک وحدت و اتحاد است، مؤمنان از آن جهت که مؤمن هستند، نفس واحد هستند یعنی ملاک وحدت و اتحاد را هم بیان می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹).

در تربیت سیاسی، بینش و آگاهی سیاسی و خط مشی‌های حاکم بر جامعه در رفتار و گفتار شکل می‌گیرد به طوری که افراد جامعه با منش سیاستی جامعه موجود هویت می‌بندد و چه بسا ویژگی‌ها و اصول سیاستی حاکم را نیز به عنوان یک فرهنگ در خود حفظ و به اجرا در خواهند آورد. بنابراین تربیت و پرورش سیاسی افراد جامعه با روش‌ها و طروق تعیین شده ایی انجام می‌گردد که به تعبیر شهید مطهری شامل آگاهی بخشی، نظارت و مشارکت عمومی می‌باشد (جدول ۲):

جدول ۲. روش‌های تربیت سیاسی استاد مطهری

ردیف	روش‌ها	محتوای مربوطه
۱	آگاهی بخشی	امام صادق (ع) می‌فرماید: "کسی که زمانی خودش را بشناسد و بفهمد و درک کند، امور مشتبه و گیج کننده به او هجوم نمی‌آورد". به اعتقاد امام خمینی نیز کسی به وضع زمان خود آشنا باشد امور مشتبه ناگهان بر سرش نمی‌ریزد که یک مرتبه دست و پای خود را گم کند و نتواند قوای خود را و فکر خودش را جمع و جور کند و راه حلی پیدا نماید.
۲	نظارت	امر به معروف و نهی از منکر یکی از شاخصه‌های جامعه‌رشد یافته و تربیت یافته است. اسلام نه تنها فرد را برای خود و در قبال خداوند از نظر شخص خود مسئول و متعهد می‌داند بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می‌داند. واقعیت این است که هرگز خداوند اوضاع و احوال مردم را به سود آنها عوض نمی‌کند مگر وقتی که خودشان آنچه مربوط به جامعه خود و آنچه در خودشان وجود دارد مانند اخلاق، روحیه، ملکات جهت‌نیاز را عوض کنند.
۳	مشارکت عمومی	برای انجام هرگونه فعالیت اجتماعی و سیاسی همکاری، همفکری و مشارکت لازم است. در تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، بحثی بیان شده که تفکر باید تفکر اجتماعی باشد و اجتماعی شدن انسان هم مانند سایر امور روحی و ادراکی اش دوش به دوش آنها تکامل پذیرفته، هر چه کمالات مادی و معنویاش بیشتر شده، اجتماعش نیز سامان بیشتری به خود گرفته است. مشارکت در عرصه‌های سیاسی از جمله انتخابات از جمله روش‌های تربیت سیاسی است. این وظیفه بر عهده سازمان‌های مختلف است تا با یک اندیشه توانا، یک اراده خستگی‌ناپذیر و یک سازمان متناسب که همراهی و مشارکت قاطع مردم ایران را جلب کند، قادر خواهد بود در مدت معینی بر موانع کار غلبه جوید.

اگر چه تربیت سیاسی شناخت ملت و اجتماع را نسبت به دروندادها و بروندادهای سیاسی ایجاد و تقویت می‌کند که این خود بخشی از بقای جامعه محسوب می‌گردد اما مسلماً "آسیب‌هایی در این نوع پرورش سیاسی موجود است. بر این اساس در اندیشه‌های استاد مطهری آسیب‌های تربیت سیاسی شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. تقلل‌گرایی در تربیت

یکی از مشکلات تربیت انسان ناشی از هضم شدن فرد در اجتماع و ساختمان غیر فطری اجتماع امروزین است و اینکه دستگاه‌های مؤثر و مسلط بر آموزش و پرورش همواره سعی می‌کنند، انسان‌ها را آنچنان بسازند که خودشان می‌خواهند نه آن‌چنان که انسان بسان فطرت و تقاضای طبیعت می‌خواهد؛ یعنی انسان را مسخ و از خود بیگانه می‌کنند. تربیت سیاسی اسلامی باید در راستای فطرت انجام گیرد و در جامعه اسلامی و سیستم‌های آموزشی اعم از رسمی و غیررسمی باید مطابق فطرت عمل نمایند تا مسیر رشد و تکامل و سعادت جامعه فراهم شود (مطهری، ۱۳۸۹).

۲. عدم تطابق با فطرت انسانی

اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود، باید کوشش کرد، همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور بکند اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی‌شود آن را پرورش داد (مطهری، ۱۳۹۰).

۳. رفتارهای ناهمخوان

شخصیت‌های بزرگ تاریخی از نظر عظمتی که در نفوس دارند بر روی فکر و اندیشه و تصمیم و اراده دیگران اثر می‌گذارند و در حقیقت همفکر و هم اراده دیگران را تسخیر می‌کنند. دیگران آن چنان می‌اندیشند که آنها می‌اندیشند و آن چنان تصمیم می‌گیرند که آنها می‌گیرند؛ دیگران در مقابل آنها استقلال فکر و اراده خود را از دست می‌دهند. قرآن کریم با نفی پیروی کورکورانه از پدران و شخصیتها دعوت به استقلال فکری می‌کند؛ لهذا از زبان مردمی که از این راه گمراه می‌شوند نقل می‌کند که در قیامت می‌گویند پروردگارا ما بزرگان و اکابر خویش را پیروی و اطاعت کردیم و در نتیجه ما را گمراه ساختند (احزاب، آیه ۶۷؛ مطهری، ۱۳۷۸).

ب) ساحت تربیت اجتماعی

انسان موجودی است که اجتماع گرا می‌باشد. شاید هیچ انسان کاملی یافت نشود که بدون ارتباط با همنوعان خود رشد کرده و به حیات خود ادامه داده باشد. بحث در این است که آیا انسان به طور ذاتی اجتماعی است یا بر اساس اجبارهای بیرونی و برای رفع نیازمندی‌های خود به اجتماع پیوسته است، یا اینکه نه به طور ذاتی، اجتماعی است و نه عضویت در اجتماع را بر اساس اجبار و اکراه پذیرفته بلکه بر اساس گزینشی عاقلانه و حسابگرانه به زندگی در جامعه روی آورده است. از این رو از دیدگاه شهید مطهری سه نظریه ارائه می‌شود:

۱. نظریه اول

زندگی اجتماعی انسان‌ها از قبیل زندگی خانوادگی زن و مرد است که هر یک از زوجین به صورت یک جزء از یک کل در متن خلقت آفریده شده‌اند] و در نهاد هر کدام گرایش پیوستن به کل خود وجود دارد. با توجه به این نظریه، عامل اصلی گرایش به زندگی اجتماعی، طبیعت درونی انسان است.

۲. نظریه دوم

زندگی اجتماعی از قبیل همکاری و هم پیمانی دو کشور است که خود را به تنهایی در مقابل دشمنی مشترک، زبون می بینند و ناچار نوعی همکاری و همگامی و ارتباط میان خود برقرار می نمایند. بنا بر نظریه دوم، امری بیرونی و خارج از وجود انسان است.

۳. نظریه سوم

زندگی اجتماعی از قبیل شرکت دو سرمایه دار است که برای تحصیل سود بیشتر، یک واحد تجاری یا کشاورزی یا صنعتی به وجود می آورند. بنا بر نظریه سوم عامل اصلی، نیروی عقلانی و فکری و حسابگرانه انسانی است (مطهری، ۱۳۷۱).

در برخی از آیات کریمه قرآن نیز اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ" ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید. همانا گرامی ترین شما نزد خداوند، متقی ترین شما است (حجرات، آیه ۱۳).

گرایش اجتماعی انسان از فطرت وی ریشه گرفته است. در واقع اگر قرار نبود انسان ها به صورت اجتماعی زندگی کنند، ادامه حیات انسانی به ایفای نقش اجتماعی مربوط نمی شد، مانند بسیاری از حیوانات که به صورت انفرادی به زندگی خود ادامه می دهند، زیرا آفرینش آنها بر اساس رفع نیازمندی ها به وسیله یکدیگر و رشد و تعالی در کنار یکدیگر صورت نگرفته است، بر خلاف انسان که از آغاز آفرینش به گونه ای آفریده شده که نه تنها برای برآوردن نیازهای حیاتی خویش نیازمند دیگران است بلکه رشد و پیشرفت و به اعتباری تکامل و تعالی اش در گرو روابط وی با اجتماع است. دیدگاه دیگر اسلام این است که هم فرد و هم جمع، هر دو اصالت دارند. از این نظر که افراد به عنوان اجزای جامعه در جامعه حل نشده اند تا مانند مرکبات شیمیایی، ترکیبی جدید و یگانه ایجاد کنند، اصالت فردی است، ولی نوع ترکیب افراد را از نظر مسائل روحی و فکری و عاطفی، از نوع ترکیب شیمیایی می داند که افراد در جامعه، هویت جدید یعنی همان هویت جامعه را می یابند، هر چند جامعه هویت جداگانه ندارد. از این نظر اصالت اجتماعی است. بنابراین نظریه، دو نوع هویت و شعور و روح مطرح می شود. روح و شعور و وجدان و اراده و خواست جدید یعنی اجتماعی، علاوه بر شعور و وجدان و اراده و اندیشه فردی افراد (مطهری، ۱۳۷۱).

بحثی که استاد مطهری در تربیت اجتماعی مطرح کرده، مربوط به همین مسئله است که چگونه روح جمعی منفی، بر روح فرد چیره نشود و از طرف دیگر، چگونه انسان با حفظ فردیت خود و استقلال و آزادی خویش در اجتماع، به صورت متعادل زندگی کند و از اجتماع دوری نکند؟ جنبه اجتماعی، یکی از جنبه‌های معنوی آفرینش انسان است؛ یعنی خداوند متعال انسان را به گونه‌ای ساخته و پرداخته است که در اجتماع به عنوان عضوی از اعضای جامعه حضور داشته باشد. بنابراین جنبه اجتماعی باید مانند دیگر جنبه‌هایی که در نوع آفرینش انسان ریشه دارند، مانند جنبه حقیقت جویی یا اخلاقی، تربیت شود یعنی اول باید آن را حفظ و از هرگونه بی‌توجهی به آن و فراموشی آن جلوگیری کرد زیرا در غیر این صورت یک استعداد و ظرفیت طبیعی موجود در آفرینش از بین خواهد رفت و ثانیاً باید آن را در جهت دینی شکوفا و جلوه گر ساخت. از نظر اسلام، افزون بر ارتباط انسان با خدا، باید رابطه‌ای ثابت و همیشگی میان فرد و اجتماع نیز برقرار شود. تلاش آموزه‌های دینی این است که انسان هم در جنبه عبادی و هم اجتماعی فعال و کوشا باشد و یکی را فدای دیگری نکند. اسلام ایمان را در حوزه خصوصی و وجدانی انسان محصور نمی‌سازد بلکه به رابطه انسان با انسان نیز توجه جدی می‌کند. دین اسلام، دینی جامعه ساز است و امتیاز بزرگ آن، این است که به حقوق و اخلاق در کنار هم توجه می‌کند. در اسلام صمیمیت و نیکی، از امور اخلاقی مقدس شمرده می‌شود، آشنایی با حقوق و دفاع از آنها نیز مقدس به شمار می‌آید (مطهری، ۱۳۸۹).

۲. ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی با توجه به اندیشه‌های جان دیویی چگونه است؟

الف) ساحت تربیت سیاسی
فلسفه سیاسی دیویی هم از یک جهت خصلت نقادی وضعیت موجود را دارد و از سوی دیگر خصلت ساخت موقعیت‌های بهتر را. در ساخت موقعیت‌های برتر آتی محور هدف همه نهادها، اعم از سیاسی، اقتصادی، حقوقی و غیره باید رشد همه جانبه یکایک افراد جامعه باشد. به نظر دیویی تنها، نظام دموکراسی است که می‌تواند چنین هدفی را دنبال کند چراکه مبنای اساسی آن باور به هوش، درایت و قدرت (و حتی کرامت) انسان است (مشکی باف مقدم و تفتیان، ۱۳۹۰). دیویی در تربیت سیاسی معتقد به آموزش و تربیت شهروندان مستقل و نقاد با توجه به دیدگاه دموکراتیک خود است. از نظر وی ایده دموکراسی اصولاً چیزی فراتر از یک روش دموکراسی یا شیوه حکومت داری صرف است زیرا دموکراسی مبتنی بر زندگی مشترک و تجربه ارتباطی با هم پیوسته است (دیویی، ۱۹۶۰).

دیویی به مدرسه مانند خود زندگی نگاه می‌کرد و نه جایی که کودکان را برای زندگی آینده آماده کند (قورچیان و تنساز، ۱۳۷۴). دیویی در زمینه نقش و اهمیت حیاتی آموزش و پرورش در ایجاد دموکراسی و فرهنگ آن تأکید می‌کند: "اگر دموکراسی به بافت زندگی اجتماعی راه نیابد، از نظر سیاسی هم پایدار نخواهد ماند" (نقیب زاده، ۱۳۹۰). بر این اساس با توجه به دیدگاه دموکراتیک، از دانش آموزان انتظار می‌رود، بخشی از فعالیت‌ها و کارهای کلاسی درس را بپذیرد تا از این طریق یاد بگیرد که در اجتماع قسمتی از فعالیت‌های جامعه خود و حتی جامعه بین‌المللی را عهده دار شود. همچنین دانش آموزان باید از نظر ذهنی و فکری برده هیچ یک از نهادهای اجتماعی نباشند (تقی پورظهیر، ۱۳۹۵).

به طور کلی دیدگاه دموکراتیک اگر چه حفظ وضعیت موجود و هنجارها و ارزش‌های وابسته به آن را مورد توجه قرار می‌دهد ولی محدود کردن کارکرد برنامه درسی تربیت سیاسی را به این امر نارا دانسته و از این رو بر رشد آگاهی‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های دموکراتیک در دانش آموزان، که محور اصلی آن تجزیه و تحلیل و نقد وضعیت موجود و مشارکت در فرایندهای گروهی است، تأکید می‌کند تا از این طریق اهداف و تحولات مورد نظر برنامه درسی تربیت سیاسی حاصل گردد (همکاران، ۱۳۸۸).

ب) ساحت تربیت اجتماعی

از نظر دیویی جامعه اجتماعی، جامعه‌ای است که در پرتو دموکراسی حداکثر مشارکت بین افرادی برای بهبود وضع اجتماعی تحقق یابد. به نظر وی تربیت اجتماعی و عقلانی هدف و روشی مشابه دارند. تفکر از برخورد با مساله آغاز می‌شود و در فرآیند تفکر فرد در مواجهه با محیط به تجربه می‌پردازد. تربیت، فرآیند مستمر بازسازی چنین تجربیاتی است. جامعه و مسائل آن فراهم‌کننده موضوعات تجربه یا تفکرند. تجربه هدف و وسیله تربیت عقلانی و اجتماعی است. توانایی فکری، ابزاری انسانی است برای مواجهه با محیط و تغییر آن و تسلط بر آن. تجربه فکری "هوشمندانه" روش تربیت عقلانی و اجتماعی است که مستلزم فعالیت فراگیر و پذیرش مسئولیت اقدام و نظم و انضباط و مشارکت با دیگران است (یوسفی، ۱۳۷۶).

دیویی هسته بنیادی تربیت اجتماعی فرد را کشف تجربه قلمداد می‌کند و اعتقاد دارد که مدرسه فقط مکانی برای آماده ساختن ساختن کودکان به قصد زندگی اجتماعی نیست بلکه فرایندی درونی و سیال در بستر زندگی است؛ اما این بدان معنا نیست که تربیت اجتماعی از مراقبت و مداخله

سازنده و بالنده بزرگسال خالی باشد. هرچند جامعه و ساختارهای اجتماعی و تاریخی آن در روند شکل دهی هویت افراد تعیین کننده هستند، اما قدرت انتخاب و پالایش عوامل و فرصت‌های پیشرو می‌تواند از جانب افراد به منزله خمیرمایه رفتار و اخلاق آنها تلقی شود. هرچند کودک در ابتدا هنجارها و ارزشه‌ای اجتماعی را از بزرگسال کسب می‌کند اما این اکتساب عموماً بدون تغییر و دستکاری منتقل نمی‌شوند (کرد و همکاران، ۱۳۹۷).

دیویی، مدرسه را محیطی جهت آماده ساختن بچه‌ها برای ورود به جامعه و مواجهه با مشکلات و مسائل زندگی می‌داند. بنابراین دانش‌آموزان بایستی بتوانند به تنهایی به حل مسائل در طول مسیر زندگی بپردازند. آنان باید آنچنان در طول دوران تحصیل مجهز شده باشند که بتوانند با گام نهادن و ورود به جامعه، مسائل را شناسایی کرده و بهترین گزینه را برای حل مسائل خود انتخاب کنند. وی بر این باور است که دانش بر تعامل و ارتباط انسان با جهان اطرافش مؤثر است. از نظر او مدرسه مکانی است که این موقعیت را با به کارگیری و اتکا بر استدلال‌های قیاسی و استقرایی، تفسیر حقایق و واقعیت و فکر کردن به صورت عینی و ذهنی فراهم می‌آورد.

آموزش نحوه فکر کردن تابع نوع فعالیت، زبان، مشاهدات و بسیاری از موضوعات دیگر است. دیویی طرفدار یادگیری به صورت عملی و کاربردی بود. او معتقد بود ایجاد مدرسه نه تنها به عنوان مکانی برای کسب دانش است بلکه مدارس بایستی بستری برای یادگیری مسائل زندگی، تجربه کردن، تطبیق و هماهنگ سازی فعال را فراهم آورند. دانش‌آموزان در مدارس یاد می‌گیرند به عنوان یک انسان، مسئول زندگی خود باشند. آنها می‌آموزند که در مسیر زندگی به نحو شایسته و مطلوبی تمام توانایی‌شان را بکار گیرند و در فرایندهای اجتماعی به صورت مستقل و مسئولانه فعالیت کنند. دیویی تربیت اجتماعی را با تمرکز به آموزش و یادگیری در مدرسه مورد توجه قرار داده است، ضمن آنکه در فرایند یادگیری به دانش آموز محوری معتقد است و این شیوه را در تعبیر مکتب فلفی پراگماتیسم (عملگرایی) بیان می‌دارد و نقش معلم را فقط به صورت یک ناظر و راهنما تعبیر کرده است (دیویی، ۲۰۰۳).

۳. نقش ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی دیویی - مطهری بر تربیت

شهروندی با تمرکز بر آموزش و پرورش چیست؟

ساحت سیاسی اجتماعی به عنوان یکی از ساحت‌های اساسی نظام آموزش و پرورش در پی ایجاد دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌هایی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند و از این جهت با تربیت شهروندی پیوندی ناگسستنی دارد. تربیت شهروندی مفهومی متکثر و چند چهره است که ابعاد مختلفی همچون مسئولیت‌پذیری، وحدت و تفاهم ملی، بردباری، قانون‌گرایی، درک فهم اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح‌جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی، برابری و تنوع را شامل می‌شود. تربیت اجتماعی و سیاسی به طور گسترده‌ای شامل آماده‌سازی دانش‌آموزان و دانشجویان برای نقش‌ها و مسئولیت‌های شان به عنوان شهروند است (فره‌مینی فراهانی، ۱۳۹۵). بر این اساس تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش، توانایی و نگرش‌هایی دارد که فرد را در تعامل مؤثر و مطلوب با افراد دیگر و دولت یاری می‌رساند (قلناش و همکاران، ۱۳۸۹). تعلیم و تربیت شهروندی مفهومی چالش‌برانگیز است که با ایدئولوژی‌های مختلف و انتظارات تجویزی همراه است لذا با اصطلاح‌های دیگر مانند تربیت سیاسی، تربیت اخلاقی و تعلیم و تربیت مدنی، تعلیم و تربیت ملی گرایانه، تربیت اجتماعی و سواد سیاسی به کار برده می‌شود (گیروکس، ۱۹۸۳). مشارکت گسترده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه افراد متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر بایستی مورد تشویق و توجه قرار گیرد. در این میان به نظر می‌رسد آموزش و پرورش نقش رهبری داشته باشد. همچنین دولت‌ها باید خود را متعهد به توجه ویژه به تعلیم و تربیت و بالا بردن سطح آگاهی تمامی بخش‌های جامعه در راستای ایجاد جو مدارا، احترام به حقوق بشر و تنوع‌های فرهنگی به خصوص معرفی و تقویت چنین اقدام‌هایی در میان نوجوانان بدانند (اوسلر و استارکی، ۲۰۰۵).

دیویی به عنوان یکی از حامیان اصلی و مهم رویکرد دموکراتیک معتقد است که آموزش و پرورش علاوه بر اینکه نوعی جهت‌گیری محافظه‌کارانه دارد، در عین حال به دنبال تربیت شهروندانی مستقل و انتقادی نیز است (مرزوقی، ۱۳۸۳). دیویی معتقد است باید تعلیم و تربیت همه دانش‌آموزان را در تشخیص و حل مسائل فردی و اجتماعی توانمند سازد. دانش‌آموزان باید در

تصمیم‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، مشارکت داشته باشند. برای موفقیت همه دانش آموزان و در همه تلاش‌های مشروع اجتماعی، بایستی تشویق‌ها و پاداش‌های مناسبی در نظر گرفته شود. برخی از پژوهش‌ها نیز در بحث از ویژگی‌ها و جو حمایتی مدرسه از فرایند تعلیم و تربیت دموکراتیک به اصولی اشاره می‌کنند که بایستی در جو مدرسه و آداب و رسوم مدرسه نمود داشته باشد. این اصول عبارتند از تلاش برای حذف نژادگرایی، ارزش قائل شدن و احترام به تنوع‌ها و تلاش برای ارتقاء فرصت‌های برابر (بانکز^۱ و همکاران، ۲۰۰۵؛ اوسلر و استارکی، ۲۰۰۲).

این در حالی است که شهید مطهری معتقد است رفتار شهروندی در صورتی که خاستگاه دینی داشته باشد، برای جامعه تأثیرات نامطلوب نخواهد داشت؛ این رویکرد بر این پیش‌فرض استوار است که انسان نمی‌تواند بدون داشتن فکر و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد؛ بنابراین ایمان، مذهبی است که به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد و موجب وحدت اجتماعی می‌شود. شهید مطهری با لحاظ نمودن عامل نیت، تمایز این رفتارها را می‌توان گفت که گاهی افراد تحت فشار عقده‌ها، کینه‌توزی‌ها، انتقام‌گیری‌ها به فداکاری دست می‌زنند. ولی تفاوت هر فکر مذهبی و غیرمذهبی این است که آنجا که پای عقیده مذهبی به میان آید و به فکر قداست ببخشد؛ فداکاری‌ها از روی کمال رضایت و به طور طبیعی صورت می‌گیرد؛ فرق است میان کاری که از روی رضا و ایمان صورت گیرد که نوعی انتخاب است با کاری که تحت تأثیر عقده‌ها و فشارهای درونی صورت می‌گیرد که نوعی انفجار است. در مجموع تعلیم و تربیت شهید مطهری، اسلامی و بر محور دین است و کلیه امور اجتماعی سیاسی و تربیت شهروند را در شاه‌راه دین تبیین نموده است (مطهری، ۱۳۸۷).

اگر آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش‌آموزان به عنوان عاملان اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت (تربیت شهروندی)، در واقع همان پشتوانه‌های راهبردی رشد فرهنگ شهروندی و توسعه سیاسی کشور به شمار می‌رود، در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارت است از:

- آموزش مفید، اثربخش و کاربردی؛

- تربیت نسل جوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه؛

- تسهیل در فرایند جامعه پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم؛
- هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه مطلوب؛
- تربیت انسان‌های قانونمند، مشارکت پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش از طریق نهادینه سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن؛
- تمرین مشارکت در اداره امور مدرسه و جامعه؛
- تقویت ایمان، روحیه شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنج‌ها، عدالت جویی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار (فائولکس، ۲۰۰۰).

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های به دست آمده در این پژوهش، تربیت اجتماعی و سیاسی اندیشه‌های شهید مطهری و دیویی، بستری مهم و قابل توجه در تربیت شهروندی محسوب می‌شود. به اعتقاد شهید مطهری تربیت سیاسی پرورش شهروندانی است که در جهت پاسداشت ارزش‌های اسلامی و انسانی با جهت گیری الهی و توحیدی در زندگی اجتماعی و سیاسی در فعالیت‌های عمومی جامعه مشارکت نمایند. رشد تکوین نیز از مسایل مد نظر شهید مطهری در تربیت اجتماعی است که عاملی مهم برای تربیت شهروندی است (مطهری، ۱۳۷۱). این در حالی است که دیویی ضمن توجه به دموکراتیک بودن فرد، به وجود و مشارکت فرد در جامعه اجتماعی و سیاسی تأکید کرده است. علت توجه دیویی به دموکراتیک بودن این است که در جامعه دموکراتیک فرد فرصت تحقق امکانات و استعدادها را دارد. همچنین ارزش شناسی دیویی متأثر از تربیت اجتماعی است. بدین ترتیب انسان‌ها (شاگردان) می‌توانند ارزش‌های خود را با توسل به آزمودن و بازسازی آنها به شیوه عملی به اثبات برسانند.

از نظر دیویی درس‌های آموزشی مرتبط با تربیت اگر با واقعیت‌های اجتماعی ارتباط داشته باشند، ارزش اخلاقی خواهند داشت و در کودک صفات اخلاقی نیک به وجود می‌آورند. دیویی به طور کلی اخلاق را در معنای وسیع اجتماعی در نظر می‌گیرد و از نظر وی رفتار اخلاقی یک رفتار تربیتی است؛ در این صورت ارزش یک عمل اخلاقی به ارزش آن در زندگی بستگی دارد.

اگر چه این دو متفکر، به تعلیم و تربیت افراد جهت یادگیری و کسب مهارت‌ها هم چون تربیت شهروندی توجه داشته اند و نظام آموزشی را از بنیان اصلی هدایت و تربیت افراد می‌دانسته اند اما تفاوت‌هایی نیز در نظریات آنان وجود داشته است به طوری که مذهب در اعتقاد شهید مطهری و دموکراتیک و پراگماتیسم در عقاید دیویی به خوبی قابل مشاهده می‌باشد. اما در یک نگاه کلی، توجه به ارزش‌های انسانی، اخلاق مداری، قانون‌گرایی، انسانیت، آداب اجتماعی و از این قبیل موارد را می‌توان در لایه‌های تربیت اجتماعی و سیاسی آنان جهت تربیت شهروندی افراد مشاهده نمود.

طبق مطالعه گوازی (۱۳۸۷) مشخص گردید که آموزش شهروندی در کتاب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی ژاپن ارائه شده است در صورتی که در کتاب اجتماعی دوره ابتدایی ایران مبتنی بر موضوع مستقل و محصور شده است (فاقد تربیت و آموزش شهروندی). در کشور ژاپن، تربیت و آموزش شهروندی به صورت اجباری و بر گرفته از کتاب اجتماعی است. ضمن این که کشورهای نظیر امریکا، استرالیا و کانادا نیز مهارت شهروندی را در دوره‌های آموزش خود مورد نظر قرار داده اند (آقازاده، ۱۳۸۵). همچنین در کشورهای چین، هنگ کنگ، ژاپن، کره، مالزی، سنگاپور، مالزی، تایوان، تایلند، روسیه، امریکا، مکزیک و اندوزی در کنار برنامه‌های درسی، تربیت شهروندی مفید و مؤثر شناخته شده است (لیوینگون^۱، ۱۹۹۸). مسلماً^۲ تربیت شهروندی در کشورهایی که این مهم را در برنامه‌های آموزشی خود قرار داده اند، قوی تر خواهد بود.

مطالعات لطف آبادی (۱۳۸۵)، با توجه به دریافت ضعف‌های اساسی در هویت اجتماعی و مدنی و روحیه سرکشی نوجوانان؛ فتحی و اجارگاه و واحد چوکده (۱۳۸۵)، با توجه به عدم تعامل مناسب بین معلم و شاگرد به عنوان اساسی ترین آسیب‌های تربیت شهروندی؛ قلناش و همکاران (۱۳۸۹)، با توجه به عدم توجه به حقوق بشر به عنوان یکی از مصادیق تربیت شهروندی؛ جمالی تازه کند و همکاران (۱۳۹۲)، با توجه به محدود بودن و توزیع غیر نرمال محتوای کتاب‌های درسی علوم اجتماعی پیرامون ارائه مهارت‌های مورد نیاز شهروندی همخوانی ندارد. با تمرکز بر یافته‌های حاصل شده، طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی نظام آموزش و پرورش کشور نتوانسته وضعیت تربیت شهروندی را در عملکرد و تکالیف یادگیری و تحصیلی دانش آموزان به صورت قوی نهادینه سازد. بر این اساس، اندیشه‌های دانشمندان تعلیم و تربیت همچون دیویی و شهید مطهری فرصتی مناسب در این

رهگذار می‌باشد. با توجه به زندگی امروز بشری و گستردگی روز افزون تعاملات بشری در درون و بیرون از مرزهای جغرافیایی، تربیت شهروندی یک اصل جامعه با تمرکز بر گذاره‌های فکری غرب و شرق خواهد بود. بر این اساس نقش تعلیم و تربیت، واکاوی در اندیشه‌های دیویی و شهید مطهری به صورت توأمان است. بر این اساس پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- بازنگری بر طرح‌ها و کتب درسی دوره‌های آموزشی به منظور درج مهارت‌ها و آموزش‌های تربیت شهروندی؛

- به کارگیری از مؤلفه‌های مهم تربیت شهروندی با تمرکز بر اندیشه‌های تربیت سیاسی و اجتماعی دیویی و شهید مطهری در برنامه درسی نظام آموزشی؛

- به کارگیری از مریبان حرفه ای و آموزش تخصصی معلمان به منظور تدریس و یاددهی آموزش مهارت‌های شهروندی برای دانش آموزان؛

- مشارکت حرفه ای دانش آموزان در فعالیت‌های اجتماعی و آشنایی آنان با چارچوب‌های مقرراتی موجود در این حوزه؛

- ارتقاء سطح بینش و آگاهی سیاسی دانش آموزان به منظور شناخت هر چه بیشتر جامعه و هویت سازی خود با ارزشها و هنجارهای موجود.

کتابنامه

- آقازاده احمد (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور. فصل نامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۷، ۶۶-۴۵.
- افتخاری، اصغر؛ مهجور، حمید (۱۳۹۵). الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۶)، ۹۸-۷۷.
- امینی، محمد؛ صدیق ارفعی، فریبرز؛ قدمی، ملوک (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان. دانشور رفتار، ۱۶(۳۶)، ۵۴-۴۱.
- پایگاه اطلاع رسانی حوزه (۱۳۹۱). تعلیم و تربیت از منظر شهید مطهری. مجله پرسمان، ۱۱۲، ۶-۱.
- تقی پور ظهیر، علی (۱۳۹۵). مقدمه ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران: آگه.
- جمالی تازه کند، محمد؛ طالب زاده نوبریان، محسن؛ ابوالقاسمی، محمود (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه. پژوهش در برنامه درسی، ۱۰(۱۰)، ۱۹-۱.
- رفیعی، ابراهیم (۱۳۹۵). تربیت سیاسی و اجتماعی دانش آموزان نیازمند بازتعریف در سیستم آموزشی کشور. اعتماد، ۳۷۱۱، ۸.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. ۱۳۹۰. مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. وزارت آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش.
- شاتو، ژان (۱۳۸۰). مریبان بزرگ. (غلام حسین شکوهی، مترجم)، تهران: دانشگاه تهران.
- صدرالدین شیرازی، ملاصدرا (۱۳۸۷). شواهد الربوبیه. (علی بابایی، مترجم)، تهران: انتشارات مولی، ج ۱.
- فاتحی ابراهیم آباد، ابوالفضل؛ شمس آبادی، رضا؛ درخشانیفر، طه (۱۳۹۴). بررسی تربیت سیاسی - اجتماعی و معلم بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. ارائه شده در دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- فانی، علی اصغر (۱۳۹۵). مأموریت اصلی دانش‌آموزی، تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان است. مهر، ۱.
- فتحی، محمد رضا؛ سعادت‌مند، زهره (۱۳۹۲). تربیت شهروندی در دانش‌آموزان ابتدایی. ارائه شده در اولین کنفرانس توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران.
- فتحی واجارگاه کوروش، واحد چوکده سکینه (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان از دیدگاه معلمان متوسطه زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵(۱۷)، ۱۳۲-۹۳.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۵). الگوی تربیت شهروندی فضیلت‌گرای ارتباطی: الگویی برای تربیت سیاسی و اجتماعی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۴(۳۱)، ۹۰-۶۷.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). تربیت شهروندی. تهران: آبیژ.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده. نوآوری‌های آموزشی، ۵(۱۷)، ۲۱۰-۱۸۳.

- قلناش، عباس (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه های تربیت شهروندی. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲(۱)، ۶۴-۴۷.
- قلناش، عباس (۱۳۹۱). تربیت شهروندی (رویکرد ها، دیدگاه ها و برنامه درسی). تهران: یادواره.
- قلناش، عباس؛ یار محمدیان، محمد حسین؛ فروغی ابری، محمد علی؛ میر شاه جعفریف ابراهیم (۱۳۸۹). نقد و بررسی رویکرد پیشرفتگرای تربیت شهروندی در برنامه درس دوره ابتدایی ایران. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۲)، ۶۲-۳۷.
- قورچیان، نادر قلی؛ تن ساز، فروغ (۱۳۷۴). سیمای روند تحولات برنامه درسی به عنوان یک زمینه تخصصی از دنیای باستان به جهان امروز. تهران: موسسه آموزش عالی و برنامه ریزی .
- کرد، حبیب الله؛ جلیلی مختار؛ کرد، مختار (۱۳۹۷). تحلیل و تحلیل آموزش اجتماعی ذاتی در مراحل اولیه. مجله جامعه شناسی آموزش، ۹، ۶۷-۷۸.
- گل یار، حسین (۱۳۸۱). تأثیر آموزش و پرورش در تحقق جامعه مدنی و نظام مردم سالاری دینی. تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- گوازی، آرش (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی و تحلیلی در مورد انتخاب و سازماندهی محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی و آموزشی شهروندی در آموزش ابتدایی با سوئد. نوآوری های آموزشی، ۷(۲۵)، ۴۸-۱۱.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۵(۱۷)، ۴۴-۱۱.
- محمدی پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر؛ مومیوند، فاطمه (۱۳۹۴). تحلیل محتوای نهج البلاغه بر اساس ساحت های ششگانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۳(۱۰)، ۶۳-۸۱.
- مرزوقی، رحمت الله (۱۳۸۳). تربیت سیاسی: نظریه ها، روش ها و برنامه درسی. تهران: انتشارات مشکات.
- مشکی باف مقدم، زهره؛ تقیانی، بی نا (۱۳۹۰). جان دیویی. تعلیم و تربیت و اینک فلسفه، ۶-۱.
- مطهری، علی (۱۳۹۵). ضرورت توجه به تربیت اجتماعی و سیاسی دانش آموزان. گروه علمی پزشکی (آموزش و پرورش)، ۳-۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). انسان و ایمان. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). آینده انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). بیست گفتار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). پانزده گفتار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). انسان و سرنوشت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). یادداشتها. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). فطرت. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). امدادهای غیبی بشر. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). یادداشت ها. تهران: صدرا، ج ۲.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا، ج ۶
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا، ج ۱۸.
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا، ج ۶
 مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). انسان و ایمان. قم: انتشارات صدرا، جلد نهم.
 نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۹۰). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: کتابخانه طهوری.
 یوسفی، علیرضا (۱۳۷۶). نظریات افلاطون و دیویی درباره تربیت اجتماعی و عقلانی. (پایان نامه دکترا).
 دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

Banks, J.A., Banks, C.M., Cortes, C., Hahan, C., Merryfield, M., & Moodly, K. M. (2005). *Democracy and diversity: Principles and concepts for educating citizens in a global age*. Seattle, WA, Center for Multicultural Education. University of Washington.

Car, David. (2003). *Making sense of education*. London: Routledge falemr press.

Dewey, J. (1938). *Experience and education*. Usa: Collier Books

Dewey, J. (1960). *Democracy and education. An introduction to the philsophy of education*. USA: Macmillan Company.

Dewye, J. (2003). *Experience and education*. (A. Mir Hosseini Trans). Tehran: Book Publishing. (In Persian)

Faulks, K. (2000). *Citizenship*. New York: Routledge.

Giroux, H. A. (1983). *Theory and resistance in education: A pedagogy for the politics of the opposition*. New York: Bergin and Garvey.

Leewinon. (1998). *Measuring impact of social value and change*. New Hampshire: Hollis publishing company.

Osler, A. & Starkey, H. (2002). Education for citizenship: mainstreaming the fight against racism?. *European Journal of Education*, 37(2), 143-159.

Osler, A., & Starkey, H. (2005). *Education for democratic citizenship: A review of research, policy and practice 1995-2005*. BERA annual review, British Educational Research Association).

Veugelers, W. (2011). *Theory and Practice of Citizenship Education*. The Case of Policy, Science and Education in the Netherlands, *Revista de Educación*, número extraordinario, 209-224.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی